

ارزشها، جایگاه تشکیلاتی و آفات تهدید کننده جهاد و جهادگران

حجت الاسلام موسوی خونی‌ها:

اگر ما معتقدیم که جهاد باید به حکم انقلاب باشد، پس باید در ادارات تجدید نظر کنیم

تردید کرد، این دیگر یک کودتا است، انقلاب نیست. در چنین صورتی بدیهی است که تشکیلات اداری سابق توان انجام کارهای رژیم آینده را هم دارد. اما در اینجا انقلاب شد، یک دگرگونی و تحول عظیم پیش آمد، بنابراین نمی شود از انقلابی که تحول اساسی ایجاد کرده انتظار داشته باشیم با همان بافت و نظام تشکیلاتی و اداری گذشته سازگار شود و از آنها بخواهد خواسته های انقلاب را انجام دهند لذا نه انقلاب از آن بافت اداری گذشته چنین درخواستی را می کرد و نه آن بافت اداری و تشکیلاتی گذشته توانایی انجام خواسته های انقلاب را داشت، در این شرایط خود بخود جهاد سازندگی ساخته شد.

در مرحله بعد اگر بخواهیم بررسی کنیم که نظام جهاد صحیح است یا نظام و تشکیلات گذشته به ارث رسیده، و یا ببرسیم نظام جهاد درست است یا نظم وزارت کشاورزی، این بررسی نادرستی است. این بررسی کردن مثل آن است که بگوئیم انقلاب درست است یا رژیم شاهنشاهی؟

انقلاب خیری بود که تمام دنیا مخالف آن بودند، ولی پیروز و موفق شد. انقلاب بر همه حکومت‌های جابر دنیا که مخالف آن بودند پیروز شد. معنایش این است که آن خیری که در نظام عالم درست بود انقلاب بوده است و آن چیزی که انقلاب آنرا از بین برد، نادرست بوده است. همچنانکه در اصل انقلاب این قیاس اشتباه است، نسبت به بچه‌های آن نیز نادرست است. یعنی درست نیست که بگوئیم آیا جهادسازندگی خوب است یا یک نظم دیگری که با بافت جهادسازندگی سازگار نیست. اگر انقلاب وزارت کشاورزی می‌خواست، وزارت کشاورزی که بود، اگر شهربانی می‌خواست، چرا کمیته ایجاد کرد؟ بافت گذشته را اگر هرکاری بکنیم، انقلاب آن بافت و نظام را نمی‌خواسته است. انقلاب کمیته انقلاب و جهاد و سپاه را می‌خواسته است، حالا می‌خواهند مخالف یا موافق باشند. اگر کسی این بافت و نظام حاکم بر جهاد و سپاه و کمیته را نمی‌خواهد، باید بگوید من انقلاب را نمی‌خواهم.

پس ما باید هر نظم دیگری را به سمت نظم جهادی برگردانیم، نه اینکه جهاد را به نظم تشکیلات

شرایط فعلی جایگاه سایه را دارد که وجود صاحب سایه نهادها سپیده بوجود انقلاب است و از انقلاب کنده نمی‌شود. و هنگامی که مسئله را درست تحلیل کنیم، متوجه می‌شویم جهاد در شرایطی پس از پیروزی انقلاب بوجود آمد که طبیعت انقلاب کارهایی را طلب می‌کرد و آنچه از نظام اداری و تشکیلاتی نظام گذشته باقی مانده بود نمی‌توانست خواسته های انقلاب را دهد و منطقی نبود

**بافت ادارات با تغییر چند نفر
چندان مسئله ای را تغییر نمی
دهد شاید تجربه این انقلاب
برای سایر انقلاب ها این باشد
که به محض پیروزی انقلابشان
کل تشکیلات اداری سابق را
منحل کنند زیرا اگر ما اینکار
را کرده بودیم، بسیاری از
مشکلات را نداشتیم.**

خواسته های انقلاب را برعهده آنها بگذاریم، زیرا اگر آن نظام اداری و آن تشکیلات توانایی چنین کاری را داشت انقلاب بوجود نمی‌آمد. انقلاب اگر خواسته‌هایش را با بافت اداری رژیم شاه می‌توانست انجام بدهد، آن موقع درخود انقلاب باید

جایگاه فعلی و آینده جهاد

بسم الله الرحمن الرحيم

در مورد اصالت و ضرورت وجود این نهاد انقلابی و همچنین ضرورت استمرار این نهاد با نهادهای دیگری مثل سپاه پاسداران مشترک است. اصلاً یک ارگان و یک دستگاه اجرایی زمانی تشکیل می‌شود که مسئولان اجرایی وجود یک دستگاه را ضروری بدانند، در چنین مواردی ممکن است تمام افرادی که قانونگذاری می‌کنند، در مورد این سازمان یا وزارتخانه رای مشترکی نداشته باشند. بنابراین ممکن است بعداً عده‌ای وجود آن وزارتخانه را زیر سؤال ببرند، و در طی یک طرح یا لایحه‌ای آن وزارتخانه را منحل اعلام کنند. اما در مورد نهادهای انقلاب بخصوص جهاد و سپاه، حساب اینها جداست، زیرا انقلاب رای به تأسیس این نهادها داده است و اینطور نیست که جمعی شسته باشند و بعضی رای داده باشند و بعضی رای نداده باشند. جهاد سازندگی را عقلای قانون گذار شسته‌اند تصویب نکنند، بلکه آنچه‌ای که آن عقلای قانون گذار را به این مسند قانون گذاری نشانده خود آن، جهاد سازندگی را تأسیس کرده است. یعنی خود انقلاب جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب را تأسیس کرد.

جهاد سازندگی و سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب اسلامی سایه وجود انقلاب هستند که همواره دنبال این انقلاب هستند و زمانیکه خدای نخواست انقلاب نباشد، اینها نیستند. اما تا زمانی که انقلاب هست جهاد سازندگی، کمیته انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب هم خواهد بود. پس جایگاه جهاد سازندگی در

گذشته که برای ما بجا مانده است مبدل سازیم. در مجلس شورای اسلامی هم نمایندگان به این نکته توجه کرده اند که نظام اداری موجود (چه نظم داخلی دستگاههای اداری و چه تشکیلات اداری موجود) همه آنها برای نمایندگان زیر سوال بود که آیا اصولاً اینها که هست، درست است یا باید اینها را به هم بریزیم و چیزی دیگری بوجود آید. لذا طرحی را مجلس تصویب کرده و به دولت تکلیف کرده که دولت در مدت شش ماه (البته دولت آنرا تمدید کرد) تشکیلات اداری و تشکیلات حکومت و دولت را ببیند چی هست؟ یعنی مجلس می خواهد یک بازنگری کند، ببیند که آیا وزارتخانه ها را با همین وظایف و بافتی که دارند، با این تشکیلات و اساسنامه ای که دارند احتیاج داریم، یا باید تجدید نظری بشود؟

در حال حاضر تشکیلاتی از رژیم قبل به ارث مانده که این تشکیلات بر محور تثبیت حکومت طاغوت و بقاء آن ایجاد شده، لذا برای مجلس ضرورت بقاء این تشکیلات زیر سوال قرار می گیرد. اگر تشکیلات اداری موجود باشد و باقی بماند، نهادهای انقلابی را در خودش هضم می کند و در این رابطه اگر بخواهیم بررسی کنیم، متوجه میشویم نهادهای انقلابی مقاومت خود را از دست می دهند.

بافت ادارات با تغییر چند نفر چندان مسئله ای را تغییر نمی دهد. شاید تجربه این انقلاب برای سایر انقلابها این باشد که به محض پیروزی انقلابشان کل تشکیلات اداری سابق را منحل اعلام کنند، زیرا اگر ما در زمان پیروزی انقلاب اینکار را کرده بودیم، بسیاری از مشکلات را نداشتیم. عدم تحرک لازم در بافت نظام اداری خساراتش برای ما کم نبوده است. و تا کی ادامه می یابد معلوم نیست، یقیناً اگر انقلابی در جهان رخ دهد باید از انقلاب اسلامی ایران تجربه بگیرند و از روز اول نظام اداری گذشته را منحل اعلام کنند. و دست اندرکاران انقلاب بشینند، ببینند چه لازم دارند، همانطور که ما در اینجا جهادسازندگی و سایر نهادهای انقلابی را تأسیس کردیم.

اگر ما نظام و بافت تشکیلات اداری گذشته را



اگر تشکیلات اداری موجود باشد و باقی بماند، نهادهای انقلابی را در خودش هضم می کند و اگر بخواهیم بررسی کنیم متوجه می شویم نهادهای انقلابی مقاومت خود را از دست می دهند

در برنامه ها و سیاست های یک وزارتخانه همه عناصری که در وزارتخانه به نحوی فعالیت می کنند تاثیر دارد، اینطور نیست که یک وزیر وقتی در یک وزارتخانه می رود بتواند با فکر خود به مسائل نگاه کند و بعد از مدتی همانگونه می شود که مجموعه وزارتخانه است.

منحل کرده بودیم و اگر تفکری که می گفت: کارمند خوب است، فقط کسانی که در رأس بودند خراب بوده اند کمتر اول انقلاب بر ما حاکم شده بود، نداشتیم، انقلاب وزارتخانه های جدیدی بر حسب ضرورت تأسیس می کرد. (البته در ابتدا مشکلاتی بود)، به هر حال اینکار نشد و این تشکیلات بجا ماند، و چون از زمان طاغوت ریشه داشت، مجدداً پس از آنکه ماههای اول انقلاب فروکش کرد، اینها جان گرفتند و چون مسئولان هم سعی می کردند کارها را به روال گذشته برگردانند و لذا تشکیلات ادارات ما، از این موقعیت استفاده کردند و خودشان را تثبیت و تحمیل کردند. یکی از مراکزی که ضدانقلاب در آنجا فعال برخورد می کرد و می توانست کارشکی درانقلاب کند و به انقلاب ضربه بزند (جریانهای ضدانقلابی گذشته مثل بنی صدر) از نظام و تشکیلات اداری موجود کم استفاده نکردند.

آفاتی که جهاد و جهادگران را تهدید می کند

ج - اگر یک چیز سالم بوجود آمد، چرا نگران باشیم که در دراز مدت به انحراف کشانده شود و از مواضع اصولی خود جدا شود و به فساد کشانده شود. اگر محورهایی که براساس آن تشکیلات بوجود آمده اند، همچنان محفوظ بمانند، نباید نگران آن باشیم که این تشکیلات فاسد شوند، مگر اینکه آن محورها را از دست بدهیم. جهاد چرا باید نگران باشد که تشکیلات آن از درون پوسیده شود و یا به فساد و انحراف کشیده شود، اگر می خواست فاسد شود چرا بوجود آمده است. هدف از تأسیس جهاد آن بود که نیروهای فعال و صادق و خدمتگزار را که برای انقلاب جان می دادند، میدان کار می خواستند و از طرف دیگر محرومین در سرتاسر کشور نیاز شدید به نیروهای خدمتگزار و صادق و پر مهر و پر عاطفه ای داشتند که محرومیت و فقر فرهنگی و مادی و اقتصادی آنها را که باقیمانده رژیم گذشته بود برطرف کند. و از طرف دیگر نیروهای خدمتگزار و صادق که تمام آرمانشان پاسخ به نیاز مردم از طرف انقلاب بود و درانقلاب مجورودیت فقیه و ورق بزنید

رهبری مرجع تقلید را پذیرفته بودند، یعنی بافرمان انقلاب و بر محور چنین رهبری و برای پاسخ به یک چنین نیازی برخاستند و آماده خدمتگزاران شدند. اگر جهاد همیشه بر این مبنای حرکت کند، یعنی همیشه سعی بر آن کند که نیروهایی به جهاد بیایند که انگیزه اشان خدمت به محروم و مستضعف باشد، هرگز فاسد نخواهد شد. و قتیکه یک نهاد انقلابی به فرمان انقلاب تاسیس و ساخته می شود، اگر همچنان در ارتباط با انقلاب عمل کند هیچگاه نباید نگران فسادش در دراز مدت باشیم. علت اینهمه موفقیت جهاد، انگیزه نیروهایش در درون جهاد برای کار و خدمت به مردم بوده است و تفاوت این انگیزه با انگیزه آن نیروهایی که به سوی وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی می رفتند زیاد است. اینها برای خدمت به مردم، به جهاد و سایر ارگانها رفتند و کمتر دیده شده که جهادگران در پی مال و آینه و حقوق بازنشستگی و... باشند بلکه جهادی از صبح تا غروب بدون وقفه کار می کند و هیچ بحث اضافه شدن مزایا نبوده است، البته دست اندرکاران در رابطه با اینها مسئول هستند که در حد توان آنها را تامین کنند، اما این بچه ها در جهاد هیچگاه مسائل مادی را مطرح نمی کنند.

اساسنامه جهاد

ج - اگر ما تشکیلات دولت و مجموعه دستگاههای اجرایی وزارتخانه ها و سازمانها و مؤسسات وابسته را برای اولین بار جهت بررسی به مجلس بیایند، نمایندگان با برداشتی که از انقلاب دارند، این تشکیلات را زیر نظر می گیرند و با آن برخورد می کنند و آن بافتی که بوجود می آورند، آن بافت جدید است که هماهنگ با جهاد می شود. وزارت کشاورزی تشکیلاتی است که از گذشته به ارث رسیده است، و با عوض شدن وزیر و مسئولیتش عوض نمی شود و باز این بافت فرهنگ طاغوتی را می پذیرد، در برنامه ها و سیاستهای یک وزارتخانه همه عناصری که در وزارتخانه به نحوی فعالیت می کنند تاثیر دارند، اینطور نیست که یک وزیر وقتی در یک وزارتخانه می رود بتواند با فکر

خود به مسائل نگاه کند، شما اگر بهترین جهادی را در وزارتخانه ای قرار دهید، خواهید دید او پس از مدت کوتاهی همانگونه می شود که مجموعه آن وزارتخانه نسبت به مسائل دارد. این بافت همین را می طلبد و غیر از این هم نیست. لذا وقتی من عرض می کنم یکپارچه بعد از پیروزی انقلاب همانطور که ساواک منحل شد، کلیه وزارتخانه ها و سازمانها را نیز منحل می کردند و بعد مسئولین انقلاب و شورای انقلاب با توجه به ضرورت هر کار یک نظام و تشکیلات جدیدی مثل جهاد درست می کردند. جهاد نسبت به مسائل به یک نحو نگاه و برخورد می کند و آن وزارتخانه هم به یک نحو دیگر به مسئله نگاه می کند و برخورد می کند و اینها هر دو یک دید نمی توانند داشته باشند. اگر ما بخواهیم با حفظ تشکیلات اجرایی و اداری که از سابق بوده

چون هنوز در ذهن قانون گذار تشکیلات گذشته همچنان به قوت خود باقی هست و ارگانها قانونی می باشند، در نتیجه سعی می کند طرحی به جهاد بدهد که هماهنگ با تشکیلات قانونی باشد، زیرا خود بخود در خودشان هضم می کنند.

است روی جهاد فکر کنیم، جهاد را تبدیل به آنها می کنیم چون نمی شود در یک بافت دو عنصر مغایر و متعارض با هم را کنار هم نگه داریم، یعنی ما در درون تشکیلات اداریمان مرکزی به نام جهاد سازندگی داشته باشیم و مرکزی به نام وزارت کشاورزی یا سایر وزارتخانه ها که جهاد بنحوی بخشی از کار آنها را انجام می دهد. وزارتخانه ها، مؤسسات و سازمانها که از گذشته بوده اند و دلالتی

هم برای تثبیت وجود خود دارند و نهادهای انقلابی را در خودشان هضم می کنند و خود بخود اگر بخواهد قانون گذاری بشود، قانونگذاری متناسب با آنها می شود، یعنی تا زمانی که مجلس پذیرفته است که وزارت کشاورزی و غیره باشد. به نحوی برای جهاد فکر می کند و وظایف و حدود اختیارات تعیین می کند که با آن وزارتخانه ها متناسب باشد، چون آنها هنوز دارای بافت نظام قبل هستند، چون در ذهن قانون گذار تشکیلات گذشته همچنان بقوت خود باقی هست و ارگانهای قانونی می باشند، در نتیجه سعی می کند طرحی را به جهاد بدهد که هماهنگ با تشکیلات قانونی شود. اما اگر بنا باشد قانون گذار از ذهن خودش این مسائل را بیرون بریزد و فکر کند که ما یک زمین صافی داریم که می خواهیم روی آن طرحی را پیاده کنیم، حالا در این طرح جدید همه چیز را به جهاد می دهیم آنچنانکه باید جهاد به حکم انقلاب به صورت یک طرح جدید بیرون بیاید، یعنی به همه چیز با این دید نگاه می کنیم. لذا این بستگی به آینده ای دارد که می خواهیم در تشکیلات اداری تجدید نظر بکنیم.

اگر قرار باشد نظام و نظم جهاد سازندگی با بافت بقیه سازمانها هماهنگ شود و اگر در کوتاه مدت تبدیل نشود ولی در دراز مدت خواهد شد. اسم وزارتخانه مطرح نیست بلکه مسئله این است که اگر جهاد بخواهد به آن بافت عمل کند دیگر جهاد نخواهد بود، این از وظایف و مسئولیتهای قوه قانونگذاری است. در این دوره با توجه به مهلت کمی که مانده بعید است که طرح تشکیلات جدید به مجلس بیاید، اگر هم بیاید چون کار بسیار سنگینی است به دوره های بعدی واگذار می شود و در این چند ماه چون لایحه سنگینی است نمی توان کار آنرا تمام کرد.

اما مسئله دوم، قبل از اینکه شور اول اساسنامه در مجلس تصویب شد و بعد برای شور دوم در مجلس با مشکلاتی برخورد کرد و به کمیسیون برده شد و حالا هم در شورای نگهبان به اشکالاتی برخورد کرده است. قبل از آن من با برادران جهاد صحبت کردم، به نظر من اشکال در این نیست که اسمش وزارتخانه باشد.

حجت الاسلام ناطق نوری:

نهادهای باید المکو قرار بگیرند و سازمان‌های اداری دیگر نیز از آن تبعیت کنند



جایگاه فعلی و آینده جهاد

«بسم الله الرحمن الرحيم»

جهاد بعنوان یکی از بهترین و موفق‌ترین نهادهای جوشیده و رونیده از انقلاب در جامعه ما و در جمهوری اسلامی مطرح است و بعنوان تنها نهادی که منتقل‌کننده فرهنگ انقلاب به روستاها می‌باشد بسیار پراهمیت است و نقش خود را در روستاها بخوبی ایفا می‌کند.

جهاد در واقع به عنوان نهادی که همواره آماده بوده که بار افتاده انقلاب و جمهوری اسلامی را بدوش بکشد در جامعه حضور فعال داشته و دارد.

نمونه‌اش هم حضور در جبهه‌های نبرد است. وقتی جنگی آغاز میشود نیروهایش را در صف مقدم جبهه‌ها بسیج و در آنجا حضور پیدا می‌کند و بزرگترین و قویترین بازو برای نیروهای رزمی و رزمندگانی ما میشود بنابراین جایگاه جهاد در جمهوری اسلامی جایگاهی بس مقدس و بالا است. انشاءالله این جایگاه رفیع را جهاد حفظ کند و خداوند بزرگ هم به جهادگرها در آخرت جایگاهی رفیع عطا فرماید.

یک موقع بحث برسر این است که یک فرد جهادگر در حین جهاد کردن و سازندگی مملکت مشمول چه آفتاتی میشود و گاهی این صحبت مطرح است که کل جهاد و مجموعه جهاد سازندگی را ممکن است چه آفتاتی دربر بگیرد.

در رابطه با فرد طبیعی است وقتی انسان مشغول کار میشود و سخت به آن دل می‌بندد

یا اسمش نهاد باشد، تا هنگامیکه نحوه جذب و استخدام نیرو به درون تشکیلات اداری اینچنین شرایطی را دارد یا بعد از جذب نیروها شیوه کار در داخل آن با قوانینی که وجود دارد انجام گیرد، و جهاد بخواند همچون ادارات عمل کند خود بخود وارد گرداب بقیه تشکیلات اداری می‌شود. اگر بخواهیم جهاد سازندگی را یک بافت جدایی‌قرار دهیم این کاری غیر عملی است، مثل اینکه یکی از شهرهای ایران را با اینکه جزء شهرهای ایران محسوب می‌شود ولی بافت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن غیر از بقیه سراسر کشور باشد، این امکان عملی ندارد مگر اینکه برای خودش یک حکومت مستقلی ایجاد کند. جهاد اگر بخواند با بقیه ارگانها و بیوند با آنها عمل کند خود بخود وارد گرداب بقیه تشکیلات اداری می‌شود. اگر بخواند جدا بماند همان مسائل ایجاد می‌شود که منجر به تعیین اساسنامه برای آن می‌گردد، برای مثال مسئله بودجه جهاد، وقتی مادر بودجه کشور به بودجه جهاد رسیدیم گفته شد باید مسئولیت بودجه زیر نظر یک وزیر باشد. فرض کنیم که در سال اول و دوم وزیریی بیاید و مسئولیت آنرا قبول کند و روی اطمینانی که به نیروهای جهادگر در جهاد سازندگی دارد به کارهای خودش برسد و مطمئن باشد که در جهاد درست عمل می‌شود مجلس هم با اطمینانی که دارد برای برطرف شدن اشکال قانونی با بودن وزیر موافقت کرد اما وقتی یکی، دو سال به این طریق عمل شود باید هم برای مجلس و هم برای مجموعه حاکمیت جایگاه جهاد سازندگی معلوم شود، بودجه بگیرد، وزیر داشته باشد، وقتیکه وزیر تعیین می‌شود باید مانند سایر وزارتخانه‌ها زیر نظر قوانین قرار گیرد، پس مسئله با وزارتخانه شدن یا نشدن حل نمی‌شود بلکه مسئله این است، که: تا زمانی که تشکیلات اداری گذشته ما به همان صورت هست و سازمان‌های دولتی ما و قوانین ما همانگونه هست، نمی‌توان یک چیزی را جدایی از آنها کنارشان قرار داد و گفت که تو جداگانه عمل کن و آنها هم عمل کنند. اینها دایما با هم درگیری خواهند داشت و همین درگیری و تضاد بقیه در صفحه ۷۹

(مخصوصاً در جهاد که جهادگران با عشق به کار و جوش و خروش خاص آن) گاه ممکن است اگر توجهی نشود عمل زده بشوند، بنابراین آفت عمل زدگی ممکن است فرد جهادگر را بگیرد و لازم است یک جهادگر در حین اینکه مشغول کار است عمل زده نشود و خدای ناکرده تهنی از بار معنویت و روحانیت نشود و همواره توجه به خداوند و معنویت داشته باشند.

اما آفتاتی که ممکن است کل جهاد و یا سایر نهادها را دربر بگیرد این است که گاه انسان احساس می‌کند حاکمیت رابطه بجای سابطه، آفت تبعیض، آفت باند بازی و جریان سازی در جامعه رخنه کرده و ورق بزنید

درسومین سالگرد ...

و... بطورعموم، مگرجهمین دانشجویان و جوانان حوزه و دانشگاه و مدرسه می باشند؟ البته یک وقتی آنها همین اشکال را، بنحودبگر، تحت عنوان اینکه سیاه تجربه ندارد، آموزش ندیده، به اصول و فنون دانش نظامی مسلح نگشته به سپاه پاسداران وارد می کردند اما آنجا حیلشان نگرفت؛ آنها وقتی به تحقیقات جهاددانشگاهی میرسند شانه هارا بالای اندازند و اظهارمیدارند: ای بابا، اینها کارهای خدماتی است و از نظر «استاندارد» سالها و درجه هاباسطح تحقیقات جهانی فاصله دارد!

ووقتی ازآنها پرسیده میشود که طرح تان چیست میگویند که باید دردانشگاه بخش پژوهش تشکیل دادو استادان راآزاد گذاشت که تحقیقات کنند!

اما واقعاً معلوم نیست که آیا درجه غفلت این آقایان خیلی بالاست یااصلاً تعمد دارند که چنین بگویند. چراکه صدها طرح و پروژه وایتکارواختراع و تحقیقی که جهادهای دانشگاهی به نمرسانده اند مگرکارهمن استادان نیست؟ اگرقراربود که آنان تحقیقات درسطح بین المللی بکنند مگرجهاددانشگاهی جلو آنان رامیگرفت؟

بله جهاددانشگاهی این رااصل می گرفت و می گیرد که تحقیقات و اختراعات باید دردرجه اول بدرداین مردم بخورد و نیازآنان رابرطرف کند وازهمه مهمترین کمک جبهه های جنگ پشتابند و علی الاصول نمی توانست و نمی تواند اجازه بدهد که دراین کشور مظلوم سرمایه گذاری برای کاری بشود که بدرد پروژه های «فوق مدرن» امریکا بخورد.

درامر مدیریت جهاددانشگاهی دردانشگاههای طیف وسیعی ازانواع اعتراضات وجوددارد. دراین طیف گروههای محارب تاگروههای بیخط و حتی باکمال تاسف برخی گروههای متدین نیز بچشم می خورند اینها اوضاع راجنان «دگرگون» ساخته اند که متاسفانه برخی از مقامات جمهوری اسلامی ایران گله دارند ازاینکه «جهاد» هاتندروی کرده اند. دراینجا می توان فقط یک جمله برای توضیح نوشت و سخن را کوتاه گرفت.

آیا نقائص یک نهال دوسه ساله با برنامه ای تازه

و تجربه تشده و درآغاز حرکت رامی توان به این صورتهایی که درفوق معروض افتاد «توجیه» و «تاویل» کرد و آنگاه لبه تبلیغات زهرآگین رامتوجه ریشه های این نهال نورسته نمود؟!

باری سخن را کوتاه کنیم و بپرسیم اکنون که دانشگاهها باردیگرگشوده شده اند و برنامه های «ستاد» برای اجرا به دانشگاهها ابلاغ شده و جهاددانشگاهی هم باجبار «دست و پایش» راجمع کرده و به نظارت ایستاده، آیا دانشگاهها راه مطلوب خویش رامی پیمایند؟ آیا ماازداخل دانشگاهها و نحوه پیشرفت حیات دانشگاهی آگاهی داریم؟

آیا می توان بدون ترمیم و تقویت جدی ستادانقلاب فرهنگی به آینده نهضت فرهنگی و آرمان اسلامی شدن دانشگاهها امیدواربود؟

آیا جزیجهادهای دانشگاهی که درواقع تشکل رسمی همه آغازگران انقلاب فرهنگی است، می توان تشکل دیگری راسراغ گرفت که ضمانت کننده حرکت صحیح و اسلامی آینده دانشگاهها باشد؟ درپایان جهت حسن ختام مقال و تذکراهمیت «فرهنگ» به سخنی از امام امت توسل می جوئیم. باشد که راهنمای همه مان درپیمودن صراط مستقیم اسلام باشد.

«درباره فرهنگ هرچه گفته شود کم است، میدانید و میدانیم اگرانحرافی درفرهنگ یک رژیم پیدا شود، و همه ارگانها و مقامات آن رژیم برصراط مستقیم انسانی والهی پای بندباشند و براستقلال و آزادی ملت ازقبودشیطانی عقیده داشته باشند و آن راتعقیب کنند و ملت نیزبه تبعیت ازاسلام و خواسته های ارزنده آن پای بندباشند، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی، برهمه غلبه کند و همه راخواهی نخواهی به انحراف بکشاند و نسل آتیه رانچنان کند که انحراف، به صورت زیبا و مستقیم، راراه نجات بداند و اسلام انحرافی رابه جای اسلام حقیقی بپذیرد و برسرخود و کشورخودآن آورد که درطول ستمشاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه برسرکشورآمد. مجلس و ملت و متفکران متعددیایداین حقیقت راباور کنند واصلاح فرهنگ و ازآنجمله اصلاح مدارس، ازدبستان تادانشگاه راجدی بگیرند و باتمام قوادرسد راه انحراف بکشوند.»

والسلام.

جهاد سازندگی، از ...

است که می تواند پشتکار و آینده نگری مشخصی برای نیروهای جهادگر بوجود آورد.

مشکل دیگر جهاد برخورد افرادی است که برمبنای اطلاعات و سلیقه خودشان جهاد راحلیل کرده و با آن برخورد می کنند که موجب استضعاف جهاد شده که این نه به صلاح انقلاب و نه صلاح جهاد است، که امیدواریم دوستان از این نوع برخوردها باجهاد پرهیز کنند. چون که جهاد بصورت یک کلیت مقدس و تلاشگر شناخته شده و همه مسئولین و یاران انقلاب آرا ارگانی جوشیده از متن انقلاب می شناسند.

اگر ما معتقدیم ...

منجر به این شد که گفتند باید اساننامه نوشته شود تا در آن اساننامه حدود وظایف و اختیارات جهاد تعیین شود. اساننامه هم وقتی می آید که ماوزارت کشورزیمان با همان وضع قبلی کار می کند، لذا می گوئیم اگر بخواهد همه وزارتخانه های ما به همان صورت بماند و محفوظ باشد، این سوال پیش می آید که اصلاً جهاد را برای چه نگه داشته ایم. اگر ما معتقدیم که جهاد باید به حکم انقلاب باشد پس باید در آنجاها تجدید نظر کنیم، این درست یک تضاد است که ما بگوئیم چیزی را که انقلاب بوجود آورده صحیح است و جهاد چنین است و چنان است و درکنار آن چنین وزارتخانه هایی داشته باشیم که تکلیفشان از قبل تعیین شده و در خطوط مشخصی حرکت می کنند. اگر تمام این بجه هایی را که در جهاد خدمت می کنند به یک وزارتخانه ببریم، آن محیط اینها را فاسد می کند. به نظر من این همه تعریف از جهاد یعنی اینکه مادر بافت وزارتخانه های خودمان تردید کنیم و تردید در آنها یعنی اینکه این بافتها را به هم بزنیم. اگر چنین نکنیم و بخواهیم به همان صورت باقی بمانند این چنین مشکلاتی را ایجاد می کند.